

قطعه‌ای از پازل انقلاب اسلامی هستیم

یکی از اصلی‌ترین مشکلات اقتصادی کشور

فقدان یک نظام تأمین مالی خرد است

سید عماد موسوی: در گفتمان انقلاب اسلامی، توجه به پیشرفت و توسعه همه‌جانبه در سیاست‌گذاری کشور به کلیدواژه‌ای مهم و اساسی تبدیل شده و دولت‌ها تلاش بسیاری برای تحقق این راهبرد مبذول داشته‌اند. از برکات انقلاب اسلامی، روشن شدن شمع امید توسعه و پیشرفت و ترقی در دل عموم اقشار جامعه بوده است. از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی نیز می‌توان به توسعه زیرساخت‌ها در مناطق روستایی اعم از دسترسی به برق، گاز، آب آشامیدنی و خطوط تلفن ثابت اشاره کرد؛ همچنین، در زمینه ارتباطات سیار و تقویت اپراتورهای تلفن‌های همراه نیز اقدامات شایسته‌ای صورت گرفته است. با وجود تمام این امکانات و یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها، همچنان روند مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به کلان‌شهرها ادامه دارد و این مهاجرت به حاشیه شهرها مسبب بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، بزهکاری و همچنین تضعیف بنیان خانواده شده است. به باور برخی از متفکران و فعالین حوزه اجتماعی، علت اصلی این مهاجرت‌ها و به تبع آن افزایش آسیب‌های اجتماعی، مسئله معیشت و اقتصاد خانوار است؛ به همین منظور مسئله اشتغال‌زایی در نقاط روستایی به‌واسطه تقویت بنیه اقتصادی روستائینان و به تبع آن جلوگیری از مهاجرت آن‌ها به کلان‌شهرها، سبب تعالی جامعه از منظر فرهنگی و اقتصادی و همچنین کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

مدل و نگاه‌های متفاوتی به کارآفرینی و اشتغال‌زایی در کشور پیاده شده است؛ مواردی مانند توجه صرف به تأمین مالی و تأسیس یک واحد تولیدی به کمک نهادهای حاکمیتی از این جمله است. گذر زمان و کسب تجربیات بیشتر، محدودیت‌های این رویکرد را بیشتر نمایان کرد. مورد اول اینکه تأسیس بنگاه‌های کارآفرینی به دست دولت‌ها به علت محدودیت مالی آن‌ها، بسیار محدود و با اولویت تأسیس بنگاه‌های بزرگ صورت می‌گیرد. در این نگاه، اشخاص سهمی در کلیت کار ندارند و توسعه کسب‌وکارهای خرد را به حاشیه می‌رانند. افراد در این مدل، در بهترین حالت یک کارمند ساده هستند که پس از مدتی از کار نیز بیگانه خواهند شد. نسخه دیگری که شخصاً به‌تازگی با آن روبه‌رو شده‌ام، فعالیتی است که در قالب مجموعه‌ای به نام «نهاد مردمی رسالت» انجام می‌پذیرد. تا پیش از این نام رسالت را بیشتر با بانکداری نوین از راه دور می‌شناختم و با اندکی تحقیق دریافتم که این بانک در نهاد مردمی رسالت مشغول نقش‌آفرینی است.

این نهاد در سال ۱۳۷۵ و با الهام‌گرفتن از تلاش‌های سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی و با شعار «سبک بهتر کار و زندگی اسلامی، ایرانی» شکل گرفت. اگر بخواهیم به‌صورت اجمالی شیوه فعالیت این نهاد را توضیح دهیم، عبارت است از توسعه روحیه و فرهنگ همیاری اجتماعی در قالب شکل‌گرفتن گروه‌هایی از افراد و ترغیب و راهنمایی آن‌ها به شروع کسب‌وکاری به‌اقتضای اقلیم، فرهنگ و شرایط اشخاص آن‌ها. در این مدل اعضا می‌توانند مطابق با توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود زنجیره ارزش یک محصول را کامل کنند. به‌طورمثال، در فرایند تولید یک عروسک، شخصی وظیفه تأمین پارچه، نخ و مواد اولیه را به عهده می‌گیرد، فرد دیگری در منزل خود به برش پارچه‌ها و دیگری هم به دوختن پارچه‌ها مشغول می‌شود و مراحل دیگر کار اعم از بسته‌بندی و فروش نیز به همین منوال پیش می‌رود.

در این مصاحبه بر آن شدیم تا با راهبر نهاد مردمی رسالت، جناب آقای محمدحسین حسین‌زاده که از آغازکنندگان این حرکت مردمی است، گفت‌وگویی داشته باشیم تا با مسیر شکل‌گیری این نهاد، شرح فعالیت‌ها و دستاوردهای آن بیشتر آشنا شویم. در ادامه گفت‌وگویی با ایشان خواهیم داشت.



امام^(ع) است. بنده معتقدم نگاه ایشان به ضرورت مردمی بودن به حدی بود که اگر در سال ۵۷ مردم پای کار انقلاب و پشت سر ایشان حرکت نمی کردند، ایشان به هیچ وجه به سمت حرکت های مسلحانه و استفاده از گروهک های مسلحی که در آن دوره کم کم شکل گرفته بودند، نمی رفتند. در واقع، آن نقطه افتراق و جدایی مسیر انقلاب از عده ای که از مسیر منحرف شده و در نهایت هم پیمان صدام شدند و به سمت کشور و مردم خودشان لشکرکشی کردند، به علت همین تفاوت مبنای نظری است.

پس به این نتیجه رسیدیم که با مردم، انقلاب شد. اندکی جلوتر بیاییم و به جنگ تحمیلی با عراق برسیم. در آن برهه باز هم مردم نقش اصلی را ایفا کردند. اگر سه قله اصلی انقلاب را در نظر بگیریم (انقلاب، دفاع مقدس و تشکیل محور مقاومت)، با اندکی تأمل در این سه قله و افراد مؤثر آن، به وضوح مشخص خواهد شد که چهره های مردمی بسیار بیشتر و مؤثرتر از چهره های سازمانی و نهادی ایفای نقش کرده اند؛ سرآمد و مثال واضح این افراد بدون شک حاج قاسم سلیمانی است. اگر شما رفتار و منش حاج قاسم شهید را تحلیل و بررسی کنید، بیشتر از اینکه بتوانید او را در کسوت یک ژنرال تعریف کنید، ایشان را یک فرد مردمی و از جنس مردم خواهید شناخت؛ کمالینکه در همان جبهه های نبرد نیز نوع و جنس تعامل ایشان با سربازان و نظامیان، روابطی پدرا نه، دوستانه

«از اینکه امروز در مجله گفتمان پیشرفت میزبان شما هستیم بسیار خوشحال و خرسندیم. خواهشمندم که برای شروع، تاریخچه و انگیزه تشکیل نهاد مردمی رسالت را شرح داده و کلیاتی از فعالیت های این نهاد را خدمت مخاطبان بفرمایید.

شاید بهتر باشد این گونه شروع کنم که حضرت امام^(ع) نمادی از یک رهبری مردمی بودند. سال ۱۳۴۲ که ایشان آن جمله معروف را به این مضمون فرمودند که یاران و سربازان من در گهواره ها هستند، به تعبیری ما و هم نسل های ما همان بچه های در گهواره بودیم. گفتمان امام خمینی^(ع) بر مبنای حرکت مردم پایه ریزی و شکل داده شده بود نه بر پایه سازمان های دولتی. اگر شما تاریخ انقلاب و اقدامات و دستورات ایشان را دنبال کنید، همیشه به کلیدواژه «مردم» خواهید رسید. در اینکه مبنای اعتقادی و انقلابی این چهره ماندگار تاریخ ایران مبنای دینی و اسلامی دارد شکی نیست، ولی اگر به جز آن مبنای اعتقادی و خدایی، اندکی رهبریت ایشان را واکاوی کنیم، به چند شاخصه مهم خواهیم رسید. یکی از این شاخصه ها، مفهوم رهبری است که برگرفته از مفهوم امام و ولایت است و امری بسیار واضح در یک جامعه اسلامی تلقی می شود. مورد بعدی - و مراد بنده از طرح این مباحث - اهمیت نقش مردم در تصمیمات حضرت



**توجه ما به جای گسترش
تجارت و کسب‌وکار و حرفه
باید بر معیشت مردم
متمرکز شود. این تفاوت
باید با ظرافت تبیین شود
و نباید نقشه راه گم شود.
هدف و مراد از اشتغال
درواقع امرار معاش افراد
شاغل است، نه گسترش
و سوددهی هرچه بیشتر
آن کسب‌وکار. سوددهی
حداکثری کسب‌وکار و بنگاه
مربوطه هیچ مبنای عقلی،
اعتقادی و اخلاقی ندارد. در
جامعه باید این مباحث به
چالش کشیده شود**

همه مردم با تفاوت‌هایی که در اخلاق، روحیات، تخصص و حرفه‌های مختلفی که دارند، به خط مقدم اعزام شوند و تفنگ به دست گیرند. عده‌ای وظیفه احداث خاکریز را به عهده گرفتند، برخی دیگر مشغول کارهای عمرانی و مهندسی شدند، تا جایی که موفق شدند با دست خالی و کمترین امکانات، بزرگ‌ترین پل لوله‌ای دنیا به نام پل بعثت را احداث کنند که در مسیر ساخت این پل حدود هزار دانشجوی مهندسی و چندصد کارگر و کارمند شرکت لوله‌سازی اهواز مشارکت داشتند و سازه‌ای را به رزمندگان جنگ تحویل دادند که از آن برای عملیات والفجر ۸ استفاده کردند و توانستند که عرض ارونرود را به سهولت طی کنند.

اگر شما آمارهای مشارکت در جنگ را بررسی کنید، متوجه خواهید شد که میزان قابل‌توجهی از فرماندهانی که در رده فرماندهی گروهان و گردان و رده‌هایی مشابه خدمت می‌کردند، همه بسیجی بوده و از میان مردم عادی انتخاب شدند. در ابتدا تقریباً هیچ‌گونه کادر منسجمی در سپاه پاسداران وجود نداشت و از میان مردم بسیجی، فرماندهانی همچون سردار سلیمانی پدید آمد. جنگ که تمام شد، مسئله اصلی کشور رفع نواقص، خرابی‌ها و به تعبیری سازندگی بود که هنوز ادامه دارد. سازندگی با هدفی مشخص و مهم شکل گرفت که همان سامان‌دهی معیشت مردم است.

چند سالی از جنگ که گذشت، موضوع ناامنی در شرق کشور شکل گرفت و حاج‌قاسم نیز مسئول ایجاد امنیت و سامان‌دهی و حل این مشکل شد. تصور عمومی جامعه این است که هرکسی مسئول امنیت منطقه‌ای شود، باید در ابتدا تعداد زیادی از تجهیزات جنگی را مانند قطاری روانه آن منطقه کند، در صورتی که مدیریت حاج‌قاسم اصلاً قائل به این نبود. در آن دوره بنده کارم مهندسی بود و در سپاه پاسداران خدمت می‌کردم. ایشان مرا فراخواندند و گفتند که مشکل ما شرارت افراد و طایفه‌ها نیست، ممکن است که افراد شروری هم وجود داشته باشند، ولی مشکل اصلی مردم این مناطق کم‌توانی در تأمین معیشت است؛ به تعبیر مقام معظم رهبری، زخمی وجود دارد که پشه‌هایی روی آن می‌نشینند. در آن منطقه هم زخمی به نام ناتوانی در تأمین معیشت بود که عده معدودی از اشرار از آن ارتزاق می‌کردند. از همین نقطه بود که ما درگیر موضوع معیشت مردم شدیم.

و بسیار صمیمی است، به‌نحوی که رفتار او را به‌هیچ‌وجه نمی‌توانید از منظر یک نهاد نظامی در دنیای امروز تحلیل کنید. به دلیل همین عدم شناخت صحیح از سوی دشمنان بود که دست به ترور ایشان زدند و به نظر خودشان فقط یک فرمانده نظامی را ترور کردند، در صورتی که از نظر سربازان و دیگر نظامیان و همچنین مردم کشورمان، آمریکا دست به ترور یک برادر، دوست و یار باوفا زد. حتی برخی نوجوانان به خصوص فرزندان شهدا ایشان را به چشم یک پدر دل‌سوز و مهربان می‌دیدند. در ادامه حرکت حضرت امام(ره)، امام و پیشوای فعلی جامعه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همین فرمایشات را دارند. اینکه چه میزان ما متوجه و گوش‌به‌فرمان ایشان هستیم، مقوله‌ای دیگر است، ولی اگر در سخنان ایشان بیشتر تأمل کنید، بن‌مایه کلام ایشان را هم مردم خواهید یافت. عبارت «آتش‌به‌اختیار» نیز متوجه مردم است، به این معنی که هرکسی از میان مردم هر کاری که می‌تواند برای انقلاب و کشور انجام دهد. گاهی اوقات

نیز ایشان صراحتاً از سازمان‌های رسمی اعلام ناامیدی و عدم رضایت می‌کنند. درواقع مسئله این نیست که چه کسی در فلان سازمان مسئولیت به عهده دارد، مسئله این است که معیار و اتکای کشور به مردم و بیشتر به حرکت‌های مردمی است تا حرکت‌های دستوری و سازمانی که عموماً پرخرج و کم‌بازده هستند. موضوعی را نیز باید روشن کنیم، اینکه زمانی که ما بر حرکت‌های مردمی تأکید می‌کنیم، منظور این نیست که نباید نظامات سیاسی و اداری داشته باشیم.

به تبع اتفاقاتی که در دفاع مقدس افتاد و داشتن تجربه تعامل با مردم و ایجاد بسیج مردمی برای حل مشکلی به نام جنگ، پایه و اساس مجموعه ما که به نام «نهاد مردمی رسالت» نام‌گذاری شد نیز بر همین مبنا شکل گرفت. این نهاد به بررسی و چاره‌جویی در موضوعات و مسائل بسیار ساده روزمره در نقاطی از کشور می‌پرداخت و هنوز می‌پردازد. البته در آن زمان به این صورت نبود که یک اتاق فکر منسجم وجود داشته باشد و با ادبیاتی خاص به بررسی و چاره‌جویی در خصوص این مشکلات بپردازند؛ در زمان جنگ تعدادی از مردم بسیج شدند و به فعالیت‌هایی در جبهه‌های مختلف جنگی پرداختند. طبیعتاً نیاز نبود و صحیح هم نبود که

تا حد مطلوبی روشن شود. در همین ایام محرم، ما مردم ایران فعالیت‌هایی در خصوص عزاداری ابا عبدالله‌الحسین داریم و برخی از مردم در دسته‌های سینه‌زنی، برخی در هیئات، عده‌ای دیگر در تکایا و برخی دیگر نیز اقدام به برپایی موبک‌های خدمت‌رسانی به مردم می‌کنند. حالا شما بیایید همین مراسم عزاداری (که بدون شک بزرگ‌ترین عزاداری در طول تاریخ است) را به دولت‌ها و سازمان‌ها بسپارید و در قالب و اشکال غربی و شرقی اقدام به اداره آن کنید. بدون شک آرام‌آرام این شور و عظمت کمتر و کمتر خواهد شد و اینجاست که شعر و ضرب‌المثل «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد» به‌درستی صدق می‌کند. فرهنگ تعاون و همکاری در ایران بسیار ریشه‌ای است و ما ملزم به استفاده از این پتانسیل بالقوه در زمینه‌های اقتصادی در راستای معیشت خود مردم هستیم.

مورد دیگر، مباحث نظامی است. به همین جبهه مقاومت عنایت داشته باشید، مفهومی عام به نام مقاومت، به اشکال گوناگون و متناسب با فرهنگ هر کشور و به دست مردم همان کشور در قالبی شبه‌نظامی پایه‌ریزی شده که اگر شما بیشتر در این خصوص تحقیق و مطالعه کنید متوجه خواهید شد که از لحاظ فرهنگی هر بازوی این جبهه، رویکرد فرهنگی متفاوتی با دیگر بازوها و متناسب با مردم همان منطقه دارد، ولی همه این بازوها در مقوله‌ای به نام مقاومت با یکدیگر اشتراک‌نظر دارند و همین موضوع است که باعث قوام و پایداری و حرکت رو به جلو جبهه مقاومت شده است، به‌نحوی که هیچ کشور و قدرتی در منطقه یارای مبارزه با این محور را ندارد.

پس، فرهنگ امری بسیار والاست که باید همیشه مورد توجه باشد و از سوی دیگر، ما مسائل خاص خود را نیز داریم که باید به آن‌ها توجه شود. یکی از مشکلاتی که کشور ما با آن روبه‌روست، وابستگی دولت‌ها به نفت است و عمده توان اقتصادی کشور معطوف به دولت‌هاست؛ باین‌حال و با توجه به این وزن بالای اقتصادی دولت، به نظر شما چند درصد از مردم کارمند شرکت‌های دولتی و سازمانی هستند؟ از میان حدود ۲۴ میلیون خانوار ایرانی، نهایتاً ۵ میلیون خانوار ما از طریق کارمندبودن در شرکت‌های دولتی و سازمانی ارتزاق می‌کنند؛ یعنی ۸۰ الی ۹۰ درصد جامعه از طریق اقتصاد خرد امرار معیشت می‌کنند. برخی مشاوره، برخی مغازه‌دار، عده‌ای کشاورز، عده‌ای

ایشان پیشنهاد دادند که چاه‌هایی احداث شود و آب بین مردم تقسیم شود. تصمیم بر آن شد که این اقدامات موضوع و محور سپاه پاسداران نباشد و در محیط مردمی انجام شود و شکل بگیرد. پس مسیر و راهی باز شد که فعالیتی مردمی شکل بگیرد که خود مردم نیز در آن نقش جدی و سازنده داشته باشند. در این مسیر بنده نیز از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خارج شدم، چراکه تمام بحث این بود که حل این مشکلات از توان دولت‌ها خارج است. موضوع دیگر هم این بود که مشارکت مردم باعث قوام و پایداری یک فعالیت برای خود مردم خواهد شد. در این میان بدیهی است که با دست کاملاً خالی نمی‌توان کار را به پیش برد و ابزار بی نام پول نیز از ملزومات اصلی این فعالیت است. طبیعی است که بخش خرد جامعه نمی‌تواند با مباحث پولی و تجاری مشکل خود را حل کنند. در حال حاضر نیز یکی از اصلی‌ترین مشکلات اقتصادی کشور فقدان یک نظام تأمین مالی خرد است.

بحث ما درستی و غلطی این موضوع نیست، حرف بنده این است که برای مردم طبقات پایین، وام فقط به‌صورت قرض‌الحسنه مفهوم و موضوعیت دارد و وام‌هایی با بهره بالا تماماً به ضرر این اقشار خواهد بود. مباحث مالی فقط یکی از موضوعات مطروحه است و باید نسخه جامع‌تری لحاظ شود که در شرایط و موقعیت ما کارا و جواب‌گو باشد.

به نظر بنده و صحیح‌تر بگویم نهاد مردمی رسالت، همان‌گونه که هر انسانی یک نسخه خاص خود را دارد، طبیعتاً هر کشور و جامعه‌ای نیز نسخه واحدی مطابق با شرایط خود را دارد و در نتیجه راه اداره و حل مشکلات آن‌ها نیز از این لحاظ منحصر به فرد است و کپی‌کردن چشم بسته و کورکورانه نسخه دیگر کشورها در کشور ما به‌هیچ‌وجه صحیح نیست. به‌عنوان مثال، یکی از اشتباهات ما این است که تصور می‌کنیم اگر چشم‌آبی‌ها چیزی به نام NGO را به تعبیری خلق کردند، ما هم حتماً می‌توانیم بخش جوانان خود را با همین NGO سامان‌دهی کنیم و اگر چیز دیگری به نام «شرکت تعاونی» را معرفی کردند، موضوع تعاون میان اعضای شرکت، فقط و فقط با بودن چیزی به نام شرکت تعاونی میسر است. البته لازم به ذکر است که مراد بنده این نیست که از تکنیک‌ها استفاده نشود، بحث و کلام بنده شکل مدیریت و رویکرد فرهنگی در خصوص حل مشکلات است. اجازه دهید مثالی برایتان بزنم که بحث

همان‌گونه که هر انسانی یک نسخه خاص خود را دارد، طبیعتاً هر کشور و جامعه‌ای نیز نسخه واحدی مطابق با شرایط خود را دارد و در نتیجه راه اداره و حل مشکلات آن‌ها نیز از این لحاظ منحصر به فرد است و کپی‌کردن چشم بسته و کورکورانه نسخه دیگر کشورها در کشور ما به‌هیچ‌وجه صحیح نیست

نداشته باشد، طبیعتاً امرار معاش بر اساس همان درآمد شکل می‌گیرد. پس کارآفرینی اجتماعی بر مبنای معیشت خانوار شکل داده می‌شود و حرکت می‌کند، نه بر اساس سازمان‌ها و شرکت‌ها و دیگر مسائل و این به معنای عدم نیاز کشور به بنگاه‌ها و دولت و دیگر نهادها نیست.

با تمام این اوصاف، می‌بایست ما شاخصه و متر و معیاری برای مردمی‌بودن داشته باشیم. به نظر ما دو شاخصه وجود دارد. هر جا که شما یک وابستگی سیستماتیک به دولت و حکومت دیدید، آنجا را نمی‌توانید مردمی بنامید. ما در کشور یک مقام رهبریت و ولایت فقیه داریم. سؤالی که پیش می‌آید این است: ایشان فقط رهبری و زعامت نهادهای دولتی و حاکمیتی را به عهده دارند؟ خیر، تک‌تک افراد جامعه و حتی افرادی که مسلمان نیستند نیز تحت رهبریت ایشان هستند و رهبریت ایشان منحصر به هیچ قشر یا گروه خاصی نیست. این نهاد مردمی رسالت که ما در آن به مردم خدمت می‌کنیم، تحت زعامت ایشان است، ولی نه به‌عنوان یک نهاد دولتی و حاکمیتی، بلکه کاملاً مردمی و به دست خود مردم که در ادامه خدمتتان عرض خواهیم کرد. این وابستگی و عدم وابستگی به دولت و به تعبیر دیگری، حاکمیت، اولین نشانه از نشانه‌های مردمی و غیرمردمی‌بودن یک نهاد است.

دومین نشانه، ارتزاق از بیت‌المال است. شاید جایی دولتی نباشد، ولی ممکن است که به لحاظ مالی آقای نماینده مجلس، آقای استاندار، آقای سردار و... به طرق مختلف کمک کنند تا آن مجموعه به فعالیت خود ادامه دهد. پس دو شاخصه اصلی، عدم وابستگی ساختاری و عدم وابستگی مالی به دولت و دولت‌مردان است.

آیا مردمی‌بودن به معنای عدم وجود نظامات و قوانین و برنامه‌ریزی است؟ به‌هیچ‌عنوان. وجود نظم و قواعد در تمام امور لازم و کارگشاست، ولی این نظم و نظامات را نیز خود مردم پایه‌ریزی کرده‌اند. همه ما که در این نهاد مشغول به فعالیت هستیم، جزئی از مردم هستیم، حتی خود بنده. با این توصیفات که خدمت شما ارائه دادم و شرح تاریخی که خدمتتان عرض کردم، این نهاد مردمی شکل گرفت. از نظر شاکله و آمار، حدود ۲۵ هزار کانون همیاری اجتماعی و مردمی تشکیل شده است که هر کانون تعدادی عضو و یک راهبر دارد. راهبر کانون را اعضای آن انتخاب نکرده‌اند، بلکه او را پذیرفته‌اند و حول او جمع شده‌اند. در ادامه، برخی از راهبران این کانون‌ها به دلیل دغدغه بیشتر یا گسترده‌تر بودن فعالیتشان در سطح اجتماع، تحت عنوان راهبران اجتماعی ایفای نقش پررنگ‌تری در جامعه خود دارند. عده‌ای دیگر حامی هستند و ممکن است که توان آن راهبر اجتماعی را نداشته باشند، ولی حمایت می‌کنند، پشتیبان هستند و به تعبیر عامیانه، اعضا و مجموعه را هل می‌دهند.



راننده تاکسی و عده دیگری نیز بقیه مشاغل را اختیار کرده‌اند. اگر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی بهتر فکر شود، همین مردمی که بخش خرد جامعه را تشکیل می‌دهند، حلال مشکلات خواهند بود و این سیل مردم است که راهگشا خواهد بود. همین سرود سلام فرمانده اگر قرار بود دولتی و حکومتی ساخته شود، هر قدر هم پول خرج آن می‌شد به این موفقیت نمی‌رسید؛ این جوشش از دل مردم بود که باعث فراگیری آن در بقیه کشورها شده است. اگر به چهره کودکانی که این سرود را می‌خوانند، چه در کشور ما و چه دیگر کشورها بنگرید، اشک‌ریختن آن‌ها را می‌بینید و متوجه می‌شوید که با تمام وجود و به‌صورت قلبی در حال خواندن سرود هستند.

موضوع دیگری که بسیار اهمیت دارد این است که توجه ما به‌جای گسترش تجارت و کسب‌وکار و حرفه باید بر معیشت مردم متمرکز شود. این تفاوت باید با ظرافت تبیین شود و نباید نقشه راه گم شود. هدف و مراد از اشتغال در واقع امرار معاش افراد شاغل است، نه گسترش و سوددهی هرچه بیشتر آن کسب‌وکار. سوددهی حداکثری کسب‌وکار و بنگاه مربوطه هیچ مبنای عقلی، اعتقادی و اخلاقی ندارد. در جامعه باید این مباحث به چالش کشیده شود. البته کارآفرینی اجتماعی چیزی نیست که درآمد

این نکته را متذکر شوم، کل این سیستمی که برای شما توضیح دادم، تماماً در بستر IT و پلتفرم‌ها شکل گرفته و شما هر فعالیتی بخواهید انجام دهید در فضای مجازی قابل انجام است و تاکنون ۱۴ پلتفرم در زمینه‌های گوناگون طراحی و راه‌اندازی شده که تمام نیاز یک فرد را در این حوزه تأمین می‌کند.

در این الگویی که به یاری خدا شکل داده شده است، نگاه به این شکل نیست که بنگاهی اقتصادی شکل گرفته و هر بخش و هر فردی در این بنگاه می‌بایست به دنبال نفع شخصی خود باشد و به تعبیر عامیانه گلیم خود را از آب بیرون بکشد، هریک از اعضای این ساختار اعم از راهبر، حامی، رهیار و اعضا، مسئولیت و رسالت اجتماعی در قبال مجموعه خود و حتی اجتماع دارند.

نمونه‌ای از مسئولیت اجتماعی این نهاد مردمی که یک کار کاملاً عام‌المنفعه است خدمتتان توضیح می‌دهم. یکی از حرکات و جنبش‌های مقدس در کشور و آیین ما، برپایی موبک‌های حسینی است. طبیعتاً چند روز بعد از اربعین موبک تعطیل می‌شود و عمده لوازم موبک تا سال بعد در انبارها می‌مانند در حال حاضر موبکی با همیاری اجتماعی اعضا و به وسعت کل ایران تشکیل شده و سهم خود را از موبک‌داری در ایام اربعین، شست‌وشوی پتوهای موبک تعریف کرده است؛ پس از اربعین پتو را تحویل گرفته، آن را شسته و تحویل می‌دهند فعالیت این نهاد مردمی در عمده‌زمینه‌هاست.

«منطقه‌ای محروم را تصور کنید که در آن منطقه به کمک نهاد مردمی رسالت، یک مجموعه تولیدی شکل گرفته است. لطفاً به انتخاب خودتان یک کسب‌وکار مشخص

را مثال بزنید و برای مخاطبان ما بفرمایید که در خلال راه‌اندازی این مجموعه و پس از آن، نقش راهبر و حامی و رهیار و اعضا به چه شکل تقسیم‌بندی می‌شود. سؤال دیگر که به نظرم اهمیت زیادی دارد، با توجه به تأکید شما بر مقوله «فرهنگ»، سازوکار تعبیه فرهنگ در این کسب‌وکارها در نهاد مردمی رسالت به چه شکل است؟

تمام این عالم دارای نظامات مشخصی است، به‌نحوی که شاعر در راستای امرار همیشه انسان می‌فرماید: «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری.» ولی آیا این هماهنگی و تقسیم وظایف مشابه



پس از لایه حامیان، لایه رهبران قرار دارد که وظیفه آن‌ها به‌نوعی مشاوره و همراهی است. شاید از نظر مخاطبان، عریض بنده تا حدودی نامفهوم به نظر برسد و وظایف راهبران، حامیان و رهبران به‌نوعی با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند. لایه رهبران، وظیفه تعامل تخصصی با اعضا را به عهده دارند؛ به‌عنوان مثال، دانشگاه توسعه اجتماعی رسالت خودش یکی از این رهبران است. اجازه دهید به موضوعی اشاره کنم. همه ما در گذشته، چه در شهر بزرگ می‌شدیم و چه در روستا، در حجره پدرمان در شهر و سر زمین‌های کشاورزی‌مان در روستا حرفه پدر خود را به‌خوبی فرا می‌گرفتیم. این سیستم آموزش فعلی که به نظر بنده کاملاً به شکل کورکورانه از غرب عاریه گرفته شده، هیچ‌گونه تناسبی با نیازهای

جوانان ما و زندگی و کسب‌وکارشان ندارد. شما درس می‌خوانید به سی‌سالگی می‌رسید و یک مدرک تحصیلی مناسب کسب می‌کنید، ولی وارد بازار آزاد که می‌شوید به‌سختی می‌توانید یک شغل مناسب را به دست آورید. این تحصیل می‌بایست به‌اقتضای شرایط داشته‌ها و محیط زندگی افراد باشد که متأسفانه نیست.

پس نقش این دانشگاه، فرهنگ‌سازی و مدیریت دانش در لایه رهبری است. هریک از کارمندان این دانشگاه علاوه‌بر سمت خود، نقش رهبری نیز دارند. در واقع نقش اصلی را راهبران که همان اولین دسته هستند و اعضا به عهده دارند. با تمام این اوصاف، ما منکر نقش ابزار و وسایل نیستیم. حضرت رسول اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «علم و دانش را بیاموز، حتی اگر در چین باشد.» اگر بخواهیم یک پیراهن را بدوزیم، نیاز به تکنیک و فنون دارد.

**نقش دانشگاه رسالت،
فرهنگ‌سازی و مدیریت
دانش در لایه رهبری
است. هریک از کارمندان
این دانشگاه علاوه‌بر سمت
خود، نقش رهبری نیز
دارند. در واقع نقش اصلی
را راهبران که همان اولین
دسته هستند و اعضا به
عهده دارند. با تمام این
اوصاف، ما منکر نقش ابزار
و وسایل نیستیم**



این تقسیم وظایف سازمانی و نهادی بین ما انسان‌هاست؟ پاسخ من خیر است، چرا که این هماهنگی‌ها به‌طور کامل درهم تنیده و تنگاتنگ است و با یکدیگر در ارتباط‌اند. اگر بدن انسان را در نظر بگیرید، اگر برای خون شما مشکلی پیش آید و به‌عنوان مثال میزان قند یا آب آن از حالت تعادل خارج شود، بینایی شما دچار مشکل می‌شود.

راهبران اجتماعی پرچم‌دارند و خداوند نیز آن‌ها را به تعداد لازم در جامعه قرار داده است و اعضا قطعات کوچک این منظومه هستند که طبیعتاً به تمام این اعضا نیاز است. پیراهنی را که در یک روستا دوخته می‌شود،

مسلمانی از اعضا به‌تنهایی قادر به تهیه لوازم دوخت‌ودوز پیراهن و بسته‌بندی و فروش آن نخواهد شد. این برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌ها به‌گونه‌ای شکل گرفته که تمامی زنجیره تأمین و تولید تا فروش و بازاریابی و حتی برندینگ نیز با این هماهنگی‌ها رفع‌ورجوع شود.

برگردیم به مثال خودمان. این پیراهن در یک سوله که تمام خط تولید در زیر یک سقف انجام می‌شود تولید نمی‌شود، بلکه تهیه پارچه را یک فرد به عهده دارد، برش پارچه در یکی از منازل انجام می‌شود، در خانه‌ای دیگر دوزندگی آن انجام می‌شود، در جایی دیگر بسته‌بندی متناسب با بازار نیاز آن انجام شده و شخص دیگری نیز وظیفه بازاریابی آن را به عهده دارد. رهبران وظیفه هماهنگی و تسهیل امور را به عهده دارند. دانشگاه توسعه اجتماعی رسالت که ما در آن حضور داریم، وظیفه تولید علم و در نظر گرفتن فرهنگ را به عهده دارد. در بخش مالی نیز دو مجموعه مشغول به فعالیت هستند که یکی از آن‌ها بانک قرض‌الحسنه رسالت است که وظیفه اعطای وام قرض‌الحسنه سهل‌الوصول به اعضا را به عهده دارد و دیگری نیز یک شرکت پردازش اطلاعات مالی است که سامانه مرآت را راه‌اندازی کرده که وظیفه اعتبارسنجی افراد به‌منظور تسهیل در اعطای وام را به عهده دارد. چندین زیرسازمان نیز وجود دارد که وظایف دیگری را نیز به عهده دارند که شرح و توضیح آن از حوصله بحث خارج است. در مجموع، در سازمان‌های رهبری حدود پنج هزار کارمند است. ما نیز معتقد به نظامات هستیم و الحمدلله برنامه‌ریزی‌های خوبی در بخش نهادی خود داریم.

در موضوع فرهنگ و تعبیه فرهنگ در مشاغل هم باید خدمتان عرض کنم که به اذعان تقریباً همه بزرگان عرصه اجتماعی و اقتصادی، تعادل میان کلان‌شهرها، شهرهای کوچک و روستاها به هم ریخته و مهاجرت به‌شدت انجام شده و این

خود مسبب آسیب‌های زیادی شده است؛ باین‌حال، وقتی به روستاهای مختلف سفر کنیم، خواهیم دید که عموم این روستاها دارای عمده امکانات اولیه زندگی اعم از آب لوله‌کشی، برق، گاز، بهداشت، راه‌های آسفالت‌ه و دیگر خدمات مانند آموزش نسبتاً مناسب هستند. اما چیزی که باعث می‌شود که فرد زندگی در روستا و حتی شهر خود را رها کند و از منزل شخصی خارج شده و اجاره‌نشینی در حاشیه کلان‌شهرها را ترجیح دهد این است که معیشت فرد در آن مکان تأمین نمی‌شده است. پس اگر علاوه بر ابر و باد و مه و خورشید، ما هم تلاش کنیم تا کسب‌وکار در همان روستا یا شهر کوچک پدری شکل بگیرد، بسیار بعید است که شخص مورد نظر زندگی در کلان‌شهرهای پرخرج و پردردسر را به زندگی فعلی خود ترجیح بدهند.

خانمی را در نظر بگیرید که در یکی از شهرهای ایران به‌عنوان یک کارمند ساده مشغول به کار است. میزان درآمد این خانم بیشتر است یا هزینه رفت‌وآمد و لباس و مهدکودک فرزند و دیگر مخارجی که به تبع مهاجرت به شهر به سبب هزینه‌های خانوار اضافه شده است؟ ما از هزینه‌های جسمی و روحی که به این فرد و خانواده او وارد می‌شود نیز صرف‌نظر کرده‌ایم. این خانم می‌تواند هم‌زمان که در خانه به زندگی خود می‌پردازد و مدام به کودکان خود نگاه و محبت می‌کند، به فعالیت کاری خود نیز بپردازد.

«مدلهایی مشابه نهاد مردمی رسالت - البته نه با این انسجام و وسعت - وجود دارد که به‌نوعی یک فرایند تولید را میان چندین خانه و خانوار تقسیم می‌کنند و تضمین‌هایی بابت فروش کالای تولیدی می‌دهند. روش کار شما با این مجموعه‌ها چه تفاوتی دارد و ارزش افزوده شما نسبت به آن‌ها چیست؟ صحبت شما بیشتر معطوف به فروش بود چندین مدل وجود



اتفاقاً حرف مرد هر روز یکی است، چراکه در مسیر تکامل و تعامل گاه اموری حادث می‌شود، آموزشی داده می‌شود و نقضی برطرف می‌شود که ممکن است با نظر دیروزمان متفاوت باشد و نیاز باشد تا اصلاحی صورت گیرد.

ما هر پنجشنبه جلساتی داریم که در پی به اشتراک‌گذاری تجارب و نکات طول هفته است و در این جلسات، نکات و موارد به نقد و بررسی گذاشته می‌شود و شاید بیراه نباشد که بگویم اگر قصد چاپ کاتالوگ را برای مجموعه داشته باشیم، ناچاریم تا هر هفته یک کاتالوگ را عرضه کنیم. درنهایت، ریل‌گذاری ما مشخص است، ولی سعی داریم که این حرکت هیچ‌گاه دچار روزمرگی و کهنگی نشود و به‌موازات و اقتضای عرصه عمل به‌روز باشیم.

«**افق نهایی و نقطه ایدئال شما از فعالیت نهاد مردمی رسالت به چه صورت است؟**

واقعیت این است که ما خودمان قطعه‌ای از پازل انقلاب هستیم و تا زمانی که انقلاب وجود دارد (که ان‌شاءالله تا ظهور امام عصر^(عج) مستدام است) به فعالیت خود ادامه خواهیم داد. البته این فعالیت و تفکر همانند انقلاب می‌تواند منحصر به جغرافیایی خاص نباشد، همان‌گونه که در مرز ایران عزیز نیز الحمدلله فعالیت‌مان منحصر به فرهنگ و قشر خاصی نیست و از تمامی اقوام و اقشار و رشته‌های تحصیلی گوناگون نیز در این امر سهمیم هستند. لذا ما انتهای برای این فعالیت متصور نیستیم، البته این بی‌انتهایی به همراه یک شعار مهم و کلیدی است: «سبک‌بهرتر کار و زندگی از طریق همیاری اجتماعی، اعتماد اجتماعی، قرض‌الحسنه، کارآفرینی اجتماعی و رسالت اجتماعی.»



دارد. سازمان‌ها و افرادی هستند که همیشه در پی خرید با کمترین قیمت و فروش با بالاترین قیمت هستند؛ طبیعی است که در این قالب و ساختار، کسب‌وکارهای خانگی با این نگاه سرمایه‌داری و استثمارگونه، همیشه ضعیف و شکننده خواهند ماند. مدل دوم همان تاجران مسلمان و خدانشناس هستند که همیشه یک کفه ترازو را هم به اصطلاح بازاریان می‌چربانند تا حق‌الناسی به گردنشان نباشد. نوع سومی هم وجود دارد که سازمان‌هایی دولتی و شبه‌دولتی هستند که تصور می‌کنند کارآفرین هستند و با بودجه بیت‌المال خرید تضمینی انجام می‌دهند. گاهی خرید تضمینی معطوف به کالایی استراتژیک مانند گندم است که بحث آن جداست و به صلاح مملکت است که این روش در خصوص آن انجام گیرد، ولی گاهی این سازمان‌ها عنوان می‌کنند که به‌عنوان مثال شما گیوه بدوزید و ما خرید از شما را تضمین می‌کنیم. اولاً، این‌گونه فعالیت‌ها به‌هم‌ریختن و رعایت‌نکردن بدیهیات اقتصاد است! در ثانی، هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای بالابردن کیفیت وجود ندارد و روزبه‌روز کیفیت کاهش می‌یابد. در نهاد مردمی رسالت این‌گونه مشکلات تا حد ممکن رفع شده و هر کس به اقتضای توان و موقعیت خود سعی دارد به بهترین شکل ایفای نقش کند.

«**در امر کسب‌وکارها اصطلاحی وجود دارد که مضمونش به این ترتیب است: وجود رقیب در بازار کار، نعمت است و باعث تسریع در پیشرفت و توسعه کسب‌وکار خواهد شد، چراکه با تفکر و تأمل در فعالیت رقیبان می‌توان اشتباهات آنان را تکرار نکرد، معایب را اصلاح و نواقص را نیز برطرف کرد. البته فعالیت شما را نمی‌توان کسب‌وکار تلقی کرد، بیشتر یک فعالیت اجتماعی است، ولی آیا در فعالیت شما نیز نمونه مشابهی در ایران یا خارج از کشور وجود دارد یا باید این الگو را در چهارچوب خلق یک ایده نوین در نظر بگیریم که از صفر تا نقطه کنونی ایجاد شده است؟**

رقابت در این فعالیت معنای خاصی ندارد، ولی در واقع نمونه‌برداری و الگوگیری هنوز در این فعالیت به این شکل وجود ندارد؛ باین‌حال، نمونه نزدیکی که مشابه ما باشد وجود ندارد و باید بگویم متأسفانه ندیدم. در واقع، فعالیت ما مشابه یک تابلو نقاشی است؛ ما از یک نقطه شروع کردیم و شاید خیلی از ابعاد را نیز در نظر نگرفتیم، ولی در طی مسیر گاهی اشتباهاتی را اصلاح کردیم و گاه نیز از تجربیات دیگران در جزئیات امر استفاده کردیم. نکته مهمی که در نهاد مردمی رسالت وجود دارد این است که این فرایند گام‌به‌گام و به‌طور مستمر به‌روز می‌شود. ما اعتقاد داریم که در این مجموعه حرف مرد یکی نیست، بلکه